

نِجَار

THE CARPENTER

بزرگ‌ترین راهکار موفقیت
A STORY ABOUT THE GREATEST
SUCCESS STRATEGIES OF ALL
JON GORDON

نویسنده: جان گوردن

مترجم: یاسین قاسمی



شرکت نشر البرز

تهران - ۱۳۹۴

سرشناسه: گوردن، جان، ۱۹۷۱ - م. Gordon, Jon

عنوان: نجار: بزرگ‌ترین راهکار موفقیت

مشخصات نشر: تهران: البرز، ۱۳۹۴

مشخصات ظاهری: ۱۶۸ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۴۲-۹۱۴-۹

عنوان اصلی:

The carpenter: a story about the greatest success strategies of all, 2014

موضوع: موفقیت در کسب و کار، خودسازی، روان‌شناسی مثبت‌گرا

شناسه افزودن: قاسمی، یاسین، ۱۳۶۷ - مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ ن ۹۳۵۲۸۶/HF

رده بندی دیویی: ۶۵۰/۱

شماره کتابشناسی ملی: ۲۸۳۱۵۶۴

این کتاب برگردانی است از:

The carpenter

by

Jon Gordon

شرکت نشر البرز

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۴

لیتوگرافی: مینا / چاپخانه: کاج

بها: ۹۰۰۰ تومان / شمارگان: ۷۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۴۲-۹۱۴-۹ ۹ - 914 - 442 - 964 - 978 ISBN

همه حقوق چاپ و نشر این ترجمه برای نشر البرز محفوظ است. تکثیر، انتشار و بازنویسی این ترجمه یا قسمتی از آن به هر روش بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

مرکز توزیع: پخش البرز - تلفن: ۶۶۵۶۲۸۲۵ - ۶۶۴۲۴۷۳۳

نشر البرز: خیابان دکتر بهشتی، بین چهارراه اندیشه و سهروردی، ساختمان شماره ۶۸،

تلفن و نمابر ۸۸۴۱۷۴۴۶ - ۸۸۴۰۵۱۸۲

WWW.ALBORZPUBLICATION.COM

INFO@ALBORZPUBLICATION.COM

کسانی که زندگی خود را وقف به دست آوردن منافع مادی و ثروت کرده‌اند به شما خواهند گفت که احساس خوشبختی را در اموال خود نمی‌یابند. خوشبختی هرگز انعکاس ثروت‌های مادی یک شخص نیست، بلکه انعکاس ثروت‌های معنوی و احساسی اوست. خوشبختی روابط دوستانه‌ای است که هر کس می‌تواند داشته باشد؛ خوشبختی نتیجه قدرشناسی از داشته‌ها است و نه میزان نارضایتی از نداشته‌ها. قدردان موهبت‌هایمان در زندگی باشیم و تا می‌توانیم برای خوشبختی و هدایت دیگران تلاش کنیم و زندگی‌مان را دوست بداریم...

یاسین قاسمی

فهرست

۱	پیش‌گفتار
۳	مقدمه نویسنده
۵	فصل اول: ضعف
۹	فصل دوم: استراحت
۱۳	فصل سوم: نجار
۲۱	فصل چهارم: استرس
۲۵	فصل پنجم: مشغله
۲۹	فصل ششم: شاهکار خودت را خلق کن
۳۷	فصل هفتم: هنرمند باش
۴۱	فصل هشتم: تو که می‌دانی
۴۵	فصل نهم: همه نجار را دوست دارند
۴۹	فصل دهم: باور
۵۳	فصل یازدهم: به جای اینکه به صدای درونت گوش دهی...
۵۷	فصل دوازدهم: سارا
۶۱	فصل سیزدهم: بی‌نظمی

۶۵	فصل چهاردهم: بهترین راهکار موفقیت
۷۱	فصل پانزدهم: عشق یک تعهد است
۷۵	فصل شانزدهم: مردم، مبلمان
۷۹	فصل هفدهم: بخش دوم بهترین راهکار موفقیت
۸۷	فصل هجدهم: ساندویچ
۹۱	فصل نوزدهم: بخش سوم بهترین راهکار موفقیت
۹۹	فصل بیستم: عشق ورزیدن، خدمت کردن، اهمیت دادن
۱۰۱	فصل بیست و یکم: ارزش
۱۰۵	فصل بیست و دوم: عمق موفقیت
۱۰۹	فصل بیست و سوم: ناکامی
۱۱۱	فصل بیست و چهارم: رسیدن به موفقیت زمان بر است
۱۱۳	فصل بیست و پنجم: پاداش شکست
۱۱۷	فصل بیست و ششم: کار ناتمام
۱۱۹	فصل بیست و هفتم: شجاعت
۱۲۳	فصل بیست و هشتم: جرقه‌ای از امید
۱۲۹	فصل بیست و نهم: به وظیفه خود عمل کن
۱۳۳	فصل سی‌ام: همه‌چیز برای یک نفر
۱۳۹	فصل سی و یکم: پیشرفت
۱۴۳	فصل سی و دوم: همه‌چیز معنوی است
۱۴۷	فصل سی و سوم: خلق ناممکن‌ها
۱۵۳	فصل سی و چهارم: به ثمر رسیدن
۱۵۵	فصل سی و پنجم: موفقیت را باید تقسیم کرد

پیش‌گفتار

اغلب در نشست‌هایی که با مدیران سراسر دنیا دارم، با این پرسش شروع می‌کنم: «چند نفر از شما فکر می‌کنید یک مدیر هستید؟ لطفاً دست‌هایتان را بالا ببرید.» و همیشه از این متعجبم که از کل افراد حاضر در جمع، کمتر از ۲۰ درصد دست خود را بالا می‌برند. چرا مدیرانی که شغل آن‌ها رهبری کردن دیگران است، خود را مدیر نمی‌دانند؟

پاسخ این سؤال این است که اغلب افراد از جمله مدیران، عقیده دارند رهبری با عنوان و مقامی که کسب کرده‌اند مشخص می‌شود. آن دسته از مدیرانی که دست بالا نبردند معتقدند، یا عنوانی که کسب کرده‌اند خیلی پرننگ نیست و یا جایگاه آن‌ها آن قدر بالا نیست که خود را مدیر بنامند.

احتمالاً، این مدیران پدری مانند پدر من نداشتند. در یاسالاری با نشان‌های افتخار فراوان که به من درس‌های ارزشمندی از رهبری آموخت. هرگز آن روزی که در پایه هفتم به عنوان رئیس مدرسه انتخاب شدم را از یاد نمی‌برم. وقتی با تمام غرور و سرافرازی به خانه برگشتم، پدرم گفت: «تبریک می‌گویم کن! اما حالا که رئیس هستی هرگز از جایگاه و مقامت سوءاستفاده نکن. بزرگی رهبران سرشناس، به خاطر اعتماد و

احترامی است که دیگران برای آن‌ها قائل‌اند، نه به‌خاطر قدرتی که دارند.»
این دقیقاً موضوع کتاب جدید و فوق‌العاده جان‌گوردن به نام **نچار** است. از شما می‌خواهم که شخصیت اصلی داستان را به‌عنوان یک مربی در نظر بگیرید. او به شما می‌آموزد هر انسانی که عشق بورزد، خدمت کند و برای دیگران اهمیت قائل شود یک رهبر است.

اگر شما تاجر هستید، توجه خود را از پیروزی (صرف‌نظر از هر مفهومی که برایتان دارد) برگردانده و آن را معطوف به عشق ورزیدن، اهمیت دادن و کمک به پیشرفت دیگران سازید. اگر این کار را انجام دهید به موفقیت خواهید رسید و کار شما به اندازه‌ای پیشرفت خواهد کرد که هرگز تصورش را هم نمی‌کردید.

همچنین یاد می‌گیرید که برای رسیدن به موفقیت حقیقی باید به دیگران کمک کنید. هدف اصلی ما در زندگی، سنجیدن و قضاوت کردن دیگران نیست، بلکه کمک به آن‌هاست تا در هر کاری که انجام می‌دهند به موفقیت برسند. به بیان دیگر، موفقیت را باید تقسیم کرد.

باعث خوشحالی است که تصمیم گرفته‌اید این کتاب را بخوانید. کتاب **نچار** می‌تواند زندگی شما را متحول کند. و شما هم به نوبه خود می‌توانید، زندگی افراد پیرامون خود را تغییر دهید و به همین ترتیب، آن‌ها هم می‌توانند در زندگی کسانی که با آن‌ها رابطه دارند تغییر به وجود آورند. و شاید با روش «هر بار یک نفر» همه ما به کمک هم بتوانیم دنیا را دگرگون سازیم.

کن بلانچارد

نویسنده کتاب: مدیر یک دقیقه‌ای و رهبری در سطح برتر

مقدمه نویسنده

می‌خواهم در اینجا از «والتر آیزاکسون»، نویسنده کتاب استیو جابز تشکر کنم. در داستان، جایی که نجار از بی‌میلی پدرش در استفاده از چوب‌های نامرغوب برای پشت کابینت می‌گوید از او الهام گرفته شده است، یعنی پدر استیو جابز این را به او آموخته بود. من هم ترغیب شدم تا این قضیه را در کتاب خود بگنجانم.

می‌خواهم از «اروین مک مانوس» تشکر کنم، در جایی از داستان که گفته‌ام برای رسیدن به موفقیت باید کمی احمق بود، برگرفته از صحبت‌های اوست.

به‌خاطر کمک در نمونه‌های معروفی از شکست که در کتاب آورده‌ام از «جوی گرین» نویسنده کتاب راه رسیدن به موفقیت با شکست سنگ‌فرش شده است کمال سپاس را دارم. از «فرانک گامبوزا» به‌خاطر گفتن راز موفقیت آرایشگاه خود تشکر می‌کنم.

از «مت هلت» ناشر، «شانون وارگو» ویراستار، و تمام اعضای گروه

ویلی کمال قدردانی را دارم که این کتاب را باور داشته و آن را در تمام دنیا به اشتراک گذاشته‌اند.

از همسر عزیزم «کاترین» به خاطر خواندن دست نوشته‌هایم و پیشنهادهای سازنده و تغییرات مفیدی که همواره به من می‌دهد، بسیار سپاسگزارم.

از دوستانم «دن بریتون» و «جاشوا مدکالف» به خاطر خواندن این کتاب و ارائه نظرات و پیشنهاداتی در جهت بهتر شدن آن تشکر می‌کنم. از اعضای گروه از جمله «دنیل دکر»، «بروک ترابرت» و «آنه کارلسون» به خاطر تمام حمایت‌ها و مهیا کردن شرایط لازم در جهت پیشرفت کار خود، بسیار سپاسگزارم.

از تمام زنان و مردان هنرمندی که طرز نگرش آن‌ها به کار و زندگی، همانند هنرمندان است، و از تمام کسانی که عشق می‌ورزند، خدمت می‌کنند، به دیگران اهمیت می‌دهند و مشوق دیگران هستند بسیار سپاسگزارم.

و بیشتر از همه، به خاطر آن نجاری که در سال ۲۰۰۶ جان من را نجات داد و زندگی، قلب و روح من را برای همیشه دگرگون ساخت، از خداوند سپاسگزارم.